

روایتی از ۱۱ روز برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

معضلی به نام «افزایش قیمت برچسبی»



ماه پول کارگر و کارمند می‌دهم؟ ولی هیچ‌کدام از این جواب‌ها در کت من و اهالی فرهنگ نمی‌رود که نمی‌رود. این طور که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود در مملکت. همه می‌توانند انواع و اقسام از این جواب‌ها جور، ردیف و خون مردم را در شیشه کنند.

به عنوان مثال من کتابفروشی خودمان را مثال می‌زنم. با عدد و رقم و ریاضی هم صحبت می‌کنم. قرارداد اجاره کتابفروشی ما تا مهر امسال هست و ماهانه ۲۷ میلیون تومان اجاره می‌دهیم. حال صاحب ملک عزیز در خانه خود نشسته و علاوه بر این که می‌بیند هر روز به قیمت ملک میلیاردری خود افزوده می‌شود، به ما پیغام داده که از الان که اردیبهشت است به شما اعلام می‌کنم اجاره قرارداد جدید ما ۶۰ میلیون خواهد بود. اگر موافقت، که مشکلی نیست وگرنه از الان به فکر کتابفروشی جدیدی برای خود بگردید.

یعنی افزایش قیمت بیش از ۱۰۰ درصدی اجاره. صد درصد می‌دانید یعنی چه؟ حال با استدلال‌های این عزیزان، من هم باید یک شبه بخوابم و بیدار شوم و روی تمام اجناس کتابفروشی خود صد درصد بگذارم؟ من کتابفروش افزایش قیمت حمل و نقل ندارم؟ افزایش قیمت حقوق کارگر و کتابفروش ندارم؟ اگر من هم یک شبه صد درصد روی اجناس لوازم تحریر، هدایا، تابلو، بازی فکری و کتاب‌های خود بگذارم، تعزیرات و عامه مردم این را قبول می‌کنند؟ پس چرا ناشر عزیز با یک برچسب زشت یک شبه چند ده درصد روی کتاب چاپ قدیم خود می‌گذارد و در بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور، شرکت می‌کند و کسی چیزی نمی‌گوید؟



افزایش قیمت بیش از صد درصدی اجاره. صد درصد می‌دانید یعنی چه؟ حال با استدلال‌های این عزیزان، من هم باید یک شبه بخوابم و بیدار شوم و روی تمام اجناس کتابفروشی خود ۱۰۰ درصد بگذارم؟

نمایشگاه کتاب سال ۱۴۰۲ نیز پس از ماه‌ها چشم‌انتظاری ما رسید و به سرعت هم ۱۱ روز مینافتش تمام شد. ۱۱ روزی که انگار خیلی سریع‌تر از سایر ۱۱ روزهای عمرمان سپری می‌شود و لابد این احساس ناشی از علاقه ما است. نمایشگاه کتاب برخلاف سایر نمایشگاه‌های مرسوم که هر چند وقت یک‌بار در کشور برگزار می‌شود، یک رویداد تک‌بعدی نیست و ابعاد مختلف و وسیعی را دربردارد. گمان نمی‌کنم هیچ رویداد دیگری در کشور اتفاق بیفتد که همانند نمایشگاه کتاب این قدر همه‌شمول بوده و دارای جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد. همه اینها به نظر بنده به ذات «کتاب» برمی‌گردد که حقیقتاً پدیده‌ای عجیبی در زندگی بشر است.



اسماعیل بنده خدا

فعال حوزه کتاب

به همین سبب است که صحبت درباره نمایشگاه کتاب و روایت از آن، دایره بسیار وسیعی را دربرمی‌گیرد و به تعداد افرادی که در نمایشگاه کتاب با نقش‌های مختلف شرکت کرده‌اند، می‌شود روایت نوشت اما موضوعی که علی‌الخصوص در سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب برای من بروز و نمود بیشتری داشت و به نظر من متأسفانه از نقاط تاریک نمایشگاه بود که به رگم ظاهر ساده، پس‌زمینه پیچیده و زشتی داشت، بحث «افزایش قیمت برچسبی» کتاب‌ها بود.

در همان اولین غرفه‌ای که در بدو ورود به نمایشگاه از آن دیدن کردم و نگاهی به قیمت پشت جلد کتاب‌های آن نشر انداختم، این نقطه تاریک در ذهن من ایجاد شد و متأسفانه با گردش بیشتر در نمایشگاه بزرگ و بزرگ‌تر شد. این ناشران عزیز (۱) کتاب‌هایی را در سال‌های پیشین با قیمت‌های پایین‌تر چاپ کرده، در انبارهای خود نگهداری کرده و اکنون به نمایشگاه کتاب آورده بودند و با یک برچسب قیمتی بسیار زشت، قیمت قبلی را پوشانده و قیمت بالاتر زده بودند.

بنده علاوه بر فعالیت در حوزه نظری کتاب، کتابفروش هم هستم و در کف میدان کتاب، با انواع و اقسام مصائب، مشکلات و اتفاق‌های مربوط به حوزه کتاب آشنا هستم و تقریباً قیمت اکثر کتاب‌های بازار دستم است. به همین دلیل هم وقتی می‌دیدم که با یک برچسب قیمتی ساده، کتاب چاپ قدیم را با افزایش‌های چند ۱۰ درصدی عرضه می‌کنند، توان سکوت نداشتیم و در چندین مورد اعتراض را به گوش مسئول آن نشر یا افرادی که در آن غرفه حضور داشتند، می‌رساندم و نمی‌توانستم با بی‌تفاوتی از کنار آن رد شوم. بعضی از نشرها که ماشاً... بسیار خیره شده بودند و چنان برچسب با کیفیت و سفت و سختی روی قیمت قبلی زده بودند که مخاطب عادی به هیچ‌وجه نمی‌توانست قیمت اصلی قبلی را بداند. بعضی نشرها هم با بی‌سلیقگی بسیار، با تمام توان با مازیک سیاه قیمت قبلی را خط زده بودند و وقتی قیمت کتاب را از فروشنده می‌پرسیدی، از روی یک برگه ۴۴ قیمت‌گران جدید را با پریوی تمام (با عرض معذرت از شما) اعلام می‌کردند!

تهاجم آشکار به جیب کتابخوان‌ها!

انتظار می‌رود قطعاً به این موضوع ورود کنند و جلوی این تهاجم آشکار از جیب مردمی که در این وانفسای کویری کتابخوانی کشور، می‌خواهند کتابی بخزند و دمی آرامش در محضر کتاب را تجربه کنند، بگیرند که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «هرکس که با کتاب، آرامشی را به دست آورد، هیچ آرامش دیگری را از دست نداده است.»



وقتی یک کتاب برای اولین بار چاپ یا تجدید چاپ می‌شود، تمام هزینه‌های حق مؤلف، حق نشر، هزینه کاغذ و سودی که ناشر می‌خواهد بردارد به قیمت همان روز محاسبه شده و پشت چلد کتاب چاپ می‌شود. حال کدام شرع و کدام قانون به ناشر این اجازه را می‌دهد که به قیمت مثلاً سال ۱۳۹۸ کتاب چاپ کند و به قیمت همان روز هزینه کند، سود مثلاً ۳۰ درصدی خود را محاسبه کرده، پشت جلد بزند و حالا یک‌دفعه با یک برچسب، ۵۰ درصد سود خالص از آسمان آمده به آن پشت جلد اضافه کند و از همان کتاب ۸۰ درصد سود کند؟

من با افزایش قیمت کتاب‌های جدید یا تجدید چاپی موافقم و متأسفانه فعلاً مفری از آن نمی‌بینم. کاغذ گران مسایو کتاب گران اما نمی‌شود با کاغذ ارزان و در روزگار ارزانی کتاب چاپ کنیم و با قیمت امروز به مخاطب قالب کنیم! با تمام احترام، این عزیزان هر استدلالی برای خود بکنند، این کارشان برداشت ناحق از جیب ما کتابخوانان است و لاغیر. حرام و حلال بودنش را هم خودشان می‌دانند و خدای‌شان. از تمام اهالی کتاب و فرهنگ می‌خواهم که با هر ابزاری که دارند، لاقلاً مخالفت زبانی خود با این پدیده را ابراز کنند و از اهالی قانون هم